




The University of Tehran Press

Extrajudicial Killing in International Law: the Case study of Assassination of General Soleimani

Sayed Taha Mousavi Mirkalayee¹  | Morteza Pouraziz^{2✉} 

1. Assistant Prof., Department of International Law, Ershad-Damavand University, Tehran, Iran. Email: Taha_mo61@yahoo.com
2. Corresponding Author; MA. in International Law, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: morteza.pouraziz2020@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Extrajudicial killing in international law, is the use of intentional and lethal force by states, which is not justifiable under the rules of the right to life and can be carried out arbitrarily without legal authorization and without a fair trial. On January 3, 2020, a US drone strike killed General Qassem Soleimani and his entourage at Baghdad Airport, killing him and his entourage. The United States immediately took responsibility for the attack. This paper seeks to answer the question whether the United States' action against General Soleimani and his entourage at Baghdad airport could be considered extrajudicial killing in international law. The present paperr using a descriptive-analytical methos concludes that the United States has committed extrajudicial killing against General Soleimani and his entourage by arbitrarily depriving them of life, without legal authorization and without a fair trial. In addition to the violation of human rights of the individuals, US action also violated the rules of international humanitarian law and international criminal law. Of course, it should not be forgotten that General Soleimani and his entourage were never sentenced to death in a competent court and through a fair trial.
Pages: 355-378	
Received: 2021/06/14	
Received in revised form: 2021/09/29	
Accepted: 2021/12/26	
Published online: 2024/03/20	
Keywords: <i>extrajudicial killing, United States action, General Soleimani, right to life, fair trial.</i>	
How To Cite	Mousavi Mirkalayee, Sayed Taha; Pouraziz, Morteza (2024). Extrajudicial Killing in International Law: the Case study of Assassination of General Soleimani. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (1), 355-378. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.325560.2798
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.325560.2798
Publisher	The University of Tehran Press. 



قتل فراقضایی در حقوق بین الملل:

مطالعه موردی؛ اقدام ایالات متحده آمریکا در ترور سردار سلیمانی

سید طه موسوی میرکلانی^۱ | مرتضی پورعزیز^۲

۱. استادیار، گروه حقوق بین الملل، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند، تهران، ایران. رایانامه: Taha_mo61@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: morteza.pouraziz2020@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۳۷۸-۳۵۵</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اقدام ایالات متحده، حق حیات، سردار سلیمانی، قتل فراقضایی، محاکمه عادلانه.</p>	<p>قتل فراقضایی در حقوق بین الملل، توسل به زور عمدی و کشنده از جانب دولت‌هاست که بر اساس قواعد حاکم بر حق حیات، توجیه‌پذیر نیست و بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه، به صورت خودسرانه انجام می‌گیرد. در ۳ ژانویه ۲۰۲۰، حمله هوایی یک پهپاد نظامی بدون سرنشین آمریکایی علیه سردار قاسم سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد، موجب شهادت ایشان و همراهان شد و بلافاصله ایالات متحده آمریکا طی اعلامیه‌ای مسئولیت ارتکاب این اقدام را بر عهده گرفت. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد می‌تواند قتل فراقضایی در حقوق بین الملل تلقی شود؟ مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه نائل می‌شود که ایالات متحده با اقدام به محرومیت خودسرانه حیات، بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه، علیه سردار سلیمانی و هیأت همراه، مرتکب قتل فراقضایی شده و علاوه بر نقض حقوق بشری این اشخاص، از ضوابط حقوق بشردوستانه و حقوق بین الملل کیفری نیز عدول کرده است. البته نباید فراموش کرد که سردار سلیمانی و هیأت همراه هرگز در دادگاهی صالح و با طی فرایند محاکمه عادلانه، مستحق مجازات اعدام تشخیص داده نشده بودند.</p>
استناد	موسوی میرکلانی، سیدطه؛ پورعزیز، مرتضی (۱۴۰۳). قتل فراقضایی در حقوق بین الملل: مطالعه موردی؛ اقدام ایالات متحده آمریکا در ترور سردار سلیمانی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۱)، ۳۷۸-۳۵۵.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.325560.2798
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.325560.2798
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

قتل فراقضایی^۱ مفهومی عام در حقوق بین‌الملل است که مصادیق آن شامل از بین بردن حیات (کشتن) یک زندانی سیاسی، یک غیرنظامی یا یک نظامی در خلال یک جنگ یا خارج از یک جنگ می‌شود. اینکه مفهوم‌شناسی قتل فراقضایی موقوف به بیان مصادیق آن است، از آن‌رو است که هیچ معاهده‌ای به‌طور مشخص این مفهوم را تعریف نکرده است. بنابراین برای درک مفهوم قتل فراقضایی، باید در منابع حقوق بین‌الملل مذاقه کرد. برای مثال تصمیمات محاکم بین‌المللی حقوق بشری و نظریات رسمی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه قابل استفاده‌اند. مرور اجمالی این منابع نشان می‌دهد که قواعد حمایتی ناظر بر حق حیات و منع سلب خودسرانه حیات، حوزه گسترده‌ای است که ممنوعیت قتل فراقضایی را نیز پوشش می‌دهد.

پژوهش حاضر درصدد است که یکی از وقایع صورت‌گرفته در جامعه بین‌المللی را که به سلب حیات ده نفر از جمله سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس منجر شده است، از منظر مفهوم قتل فراقضایی تحلیل کند. این واقعه در صبحگاه روز جمعه مورخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰ صورت گرفت و طی آن پهپاد نظامی MQ-9 بدون سرنشین آمریکایی، به سمت دو خودرو حمله موشکی انجام داد. در این حمله، علاوه‌بر سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، هشت نفر دیگر از نیروهای سپاه پاسداران و اعضای نیروهای بسیج مردمی عراق به شهادت رسیدند. ایالات متحده آمریکا به موجب اعلامیه‌ای، مسئولیت این اقدام نظامی را بر عهده گرفت.

پرسش اساسی در این مقاله آن است که آیا اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد می‌تواند قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل تلقی شود؟ مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای به این نتیجه نائل می‌شود که ایالات متحده با اقدام به محرومیت خودسرانه حیات، بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه، علیه سردار سلیمانی و هیأت همراه، مرتکب قتل فراقضایی شده و علاوه‌بر نقض حقوق بشری این اشخاص، از ضوابط حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری نیز عدول کرده است.

بررسی ادبیات حقوقی موجود به زبان فارسی در حوزه قتل فراقضایی حکایت از آن دارد که موضوع مقاله حاضر، تاکنون بررسی نشده و واجد وصف نوآوری است. مختصر آثار حقوقی موجود در خصوص قتل فراقضایی نیز صرفاً به مذاقه در مفهوم قتل فراقضایی پرداخته و با اینکه مقالات و آثار حقوقی متعددی در مورد واقعه ۳ ژانویه ۲۰۲۰ منتشر شده است، اما هیچ‌کدام به‌طور خاص به تطبیق قتل فراقضایی بر واقعه موردنظر در این مقاله ورودی نداشته‌اند. برای نمونه عزیزی در مقاله «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی» (۱۳۹۹)،

صرفاً به این جنبه از موضوع پرداخته که ترور سردار سلیمانی به سبب مغایرت با ممنوعیت قتل فراقضایی، مغایر با مقررات قانون اساسی ایالات متحده تلقی می‌شود. سرتیپی و همکاران در مقاله «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی» (۱۳۹۱) صرفاً مفهوم ترور هدفمند را تبیین می‌کند و به تطبیق آن با واقعه مورد بحث این مقاله نمی‌پردازد. همچنین نژندی‌منش در مقاله «امکان‌سنجی حقوقی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به مثابه جنایت علیه بشریت» (۱۳۹۹)، شرایط جنایت علیه بشریت و تطبیق آن با واقعه مذکور را بررسی کرده است. مقاله فضائلی با عنوان «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور» (۱۳۹۹)، به اقدام ایالات متحده در قالب توسل به زور و تجاوز در حقوق بین‌الملل پرداخته است. در نتیجه در ادبیات حقوقی موجود، قتل فراقضایی در واقعه موردنظر مقاله پیش‌رو، بررسی نشده است.

پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست به مفهوم‌شناسی و تبیین مصادیق قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل و بررسی آن در اسناد بین‌المللی، رویه محاکم و نهادهای بین‌المللی می‌پردازد و در بخش دوم، اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد از منظر قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل، بررسی خواهد شد.

۲. قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل

در سال‌های اخیر، با وجود چالش‌های حقوقی ناظر بر قتل فراقضایی و قتل هدفمند، تعداد فزاینده‌ای از دولت‌ها، از جمله ایالات متحده، اقدام به قتل‌های هدفمند را به مثابه مصادیق از قتل فراقضایی، فراتر از حقوق بشردوستانه یعنی در خارج از زمان و مکان جنگی، در سرزمین‌های سایر دولت‌ها در پیش گرفته‌اند. ریشه قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل با هدف خالص سازی نژاد و انتقام جویی در خلال جنگ جهانی اول صورت می‌گرفت. عدم موفقیت حقوق بین‌الملل در ممنوعیت این اقدامات، منجر به تکرار آن در اقدامات آدولف هیتلر در زمان جنگ جهانی دوم نیز شد.

اسناد بین‌المللی در این زمینه که قتل فراقضایی به چه معناست، سکوت کرده‌اند. به این ترتیب این مفهوم بیشتر در پرتو دکترین و رویه قضایی شکل گرفته و توسعه یافته است. به اعتقاد برخی، قتل فراقضایی چیزی نیست جز ایجاد محیط ترس ناشی از قدرت؛ با این توجیه که «قتل بهترین پاسخ برای ایجاد صلح و هماهنگی در جامعه است (Shrawat, 2017: 1) و بر این اساس، صلح و خشونت را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته‌اند. در کانون چنین اندیشه‌ای، وجود قدرت نامحدود و سوءاستفاده از آن قرار دارد. این در حالی است که سیر تحول نظام بین‌المللی حقوق بشر، در جهت ضابطه‌مندی قدرت و فرسایش مفهوم سنتی حاکمیت دولت بوده است.

۱.۲. مفهوم شناسی و مصادیق قتل فراقضایی

حق حیات از بنیادی‌ترین حقوق بشری است که مترتب بر سایر حقوق بشری است. این حق مانند بسیاری از حقوق بشری، جنبه‌ای ایجابی و جنبه‌ای سلبی دارد (Henkin, 1981: 114). جنبه سلبی حق حیات عبارت است از عدم محرومیت خودسرانه دیگران از حق حیاتشان (Nowak, 2005: 121). در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره^۱ (۱۹۹۰) جنبه سلبی حق حیات را با صراحت ویژه‌ای مورد توجه قرار داده است. در بند «ب» ماده ۲ اعلامیه مزبور^۲، اقدام به نابود کردن چشمه‌سار حیات بشری به هر وسیله‌ای که باشد، اعم از کلی و جزئی، حرام شده است (CDHRI, 1990: article 2).

1990: article 2 ممنوعیت قتل فراقضایی، در پرتو جنبه سلبی حق حیات است که معنا می‌یابد.

قتل فراقضایی عبارت است از: «قتل‌های نامشروع و خودسرانه‌ای که به دستور یک دولت و با رضایت او انجام می‌یابد (Amnesty International, 2001: 1). چنین کشتارهایی حاصل سیاست‌های دوره‌ای حکومتی است که به منظور از بین بردن افراد صورت می‌گیرد؛ بدون اینکه افراد مزبور دستگیر و محاکمه شوند؛ از این رو علاوه بر حق حیات، برخورداری ایشان از حق محاکمه عادلانه نیز نقض می‌شود. حسب این تعریف، هرگونه توسل به زور عمدی و کشنده منتسب به دولت که بر اساس استثنائات قانونی حق حیات توجیه‌پذیر نباشد، به‌عنوان یک قتل فراقضایی تلقی خواهد شد (Kretzmer, 2005: 176). در نتیجه، تشخیص دقیق‌تر مفهوم قتل فراقضایی منوط به آن است که اولاً، آیا دولت تضمینات لازم در حمایت از حق حیات فرد از جمله لزوم توسل به محاکمه عادلانه را به‌کار بسته و علی‌رغم آن سلب حیات صورت گرفته است یا خیر؛ ثانیاً، آیا این سلب حیات منتسب به دولت بوده است یا خیر؛ ثالثاً، آیا به‌کارگیری زوری که موجب سلب حق حیات شده، عامدانه بوده است یا خیر؛ و رابعاً، آیا سلب حیات مربوطه، مقررات ناظر به حق حیات و استثنائات آن را نقض کرده است یا خیر.

علاوه بر آن، مفاهیم مشابهی با قتل فراقضایی وجود دارد که لازم است آنها را از مفهوم قتل فراقضایی متمایز ساخت. برای مثال «اعدام اختصاری»^۳ به معنای مجازات متهمان بدون رعایت فرایند دادرسی عادلانه و رسمی مطابق یک نظام حقوقی است. بر این اساس، اعدام اختصاری یعنی هر اعدامی که از طریق آن، شخص متهم به خرابکاری یا سایر اعمال مجرمانه، بدون فرایند دادرسی، اعدام شده و غالباً زمان و مکان اعدام متعاقباً کشف می‌شود؛ اگرچه ممکن است تحقیقات مفیدی نیز برای کشف آن به‌عمل نیاید (Calhoun, 2003: 2). همچنین قتل فراقضایی و «اعدام فراقانونی»^۴ مفاهیمی کاملاً منطبق نیست؛

1. The Cairo Declaration on Human Rights in Islam (CDHRI) 1990

۲. بند «ب» ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (۱۹۹۰): «استفاده از وسیله‌ای که به از بین بردن سرچشمه بشریت به‌طور کلی یا جزئی منجر گردد، ممنوع است».

3. Summary Execution

4. Extralegal Execution

«فراقانونی» متضمن این معناست که جواز یا عدم جواز عملی خاص، به موجب قانون بیان نشده است. از این رو مفهوم «فراقانونی» با مفاهیم «بی‌قانونی»^۱ یا «خلاً قانونی»^۲ مترادف است. در حالی که مفهوم «فراقضایی» با مفاهیمی مثل «غیرقانونی»^۳ یا «خلاف قانون»^۴ مترادف است و حاکی از آن است که عمل مورد نظر، به صراحت از سوی قانون ممنوع اعلام شده است. همچنین بعضاً به جای مفهوم «فراقضایی» از تعبیر «خودسرانه یا دلبخواهانه» استفاده می‌شود، چراکه مفهوم قتل فراقضایی، ریشه در اسناد حقوق بشری مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) دارد و به موجب ماده ۶ این میثاق، میان حق بر حیات یا منع محروم‌سازی خودسرانه از نعمت زندگی از یک سو و قتل مجاز از نظر قضایی (نظیر مجازات اعدام) از سوی دیگر، نوعی تقابل برقرار شده است (سرتیپی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷).

از زاویه‌ای دیگر، مطابق عرف بین‌المللی نیز قتل فراقضایی دارای دو مؤلفه است (A. Schabas, 2015: 134؛ نخست، مؤلفه ماهوی و دوم، مؤلفه شکلی (زمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۷ و ۱۷۶). مؤلفه ماهوی محدودیت‌هایی را در استفاده از زور توسط دولت‌ها برای جلوگیری از محرومیت خودسرانه از زندگی ایجاد می‌کند و مؤلفه شکلی در صورت وجود قرینه‌ای دال بر وقوع محرومیت خودسرانه از زندگی، دولت‌ها را ملزم به انجام تحقیقات کرده و مسئولیت بین‌المللی آنها را مطرح می‌کند (J. Aceves, 2018: 144). به موجب مؤلفه ماهوی، برای تحقق قتل فراقضایی، اشکال معینی از اقدام دولت لازم است (OHCHR, 1997: 2) که عنصر مادی این قتل را تشکیل می‌دهد. عنصر مادی قتل فراقضایی، شامل فعل و ترک فعل‌های منجر به مرگ می‌شود. اگرچه بیشتر موارد قتل فراقضایی با فعل مثبت ارتکاب می‌یابد، اما در مواردی ممکن است ترک فعل هم به عنصر مادی قتل فراقضایی یعنی مرگ منجر شود. البته باید بین فعل یا ترک فعل و مرگ، پیوند علی و معلولی وجود داشته باشد (Stoyanova, 2018: 309). عنصر معنوی قتل فراقضایی مقتضی آن است که فعل یا ترک فعل‌هایی که به مرگ منجر می‌شود، عمدی باشد. برای اینکه فعلی واجد شرایط عمد باشد، باید در قالب رفتاری ارادی یا بی‌مبالاتی صورت گیرد. مرتکبان نیز باید بدانند یا دلیلی بر آن داشته باشند که فعل یا ترک فعل آنها می‌تواند منجر به مرگ شود.

یکی از مصادیق بارز قتل فراقضایی، قتل‌های هدفمند^۵ است. قتل هدفمند علاوه بر آنکه تماماً ناقض حق حیات و چارچوب حقوقی و الزامات پسندیده قانونی است، حاوی به قتل رساندن فرد بدون دادرسی عادلانه و محاکمه قضایی است. بنابراین قتل هدفمند همه ویژگی‌های قتل‌های فراقضایی یا خودسرانه را داراست. در تعریف قتل هدفمند بیان شده است: «چنین کشتنی با به کارگیری ابزار کشنده، به‌طور

1. Lawless
2. Legal vacuum
3. Illegality.
4. Unlawfulness.
5. Targeted Killings

عمدی و قبل از این که قربانیان پیش از هدف‌گیری، محاکمه شده باشند، صورت می‌گیرد» (Melzer, 2008: 5) به عبارتی چون مقتول به نحو غافلگیرانه کشته می‌شود، نوعی از ترور نیز است (عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۲۹) از این رو با توجه به اینکه قتل هدفمند، موجب نقض حق حیات و حق محاکمه یا دادرسی عادلانه می‌شود، می‌تواند یکی از اشکال قتل فراقضایی نیز محسوب شود. چنانکه در جریان حمله ایالات متحده آمریکا به یمن در نوامبر ۲۰۰۲، قتل‌های هدفمند صورت گرفته توسط نیروهای اسرائیلی، از جانب سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری از جمله عفو بین‌الملل^۱ و برخی ارکان و مقامات سازمان ملل متحد، همچون کمیسیون حقوق بشر (UNCHR, 2001: 53 & 64)، دبیرکل ملل متحد و گزارشگر ویژه حقوق بشر در خصوص سرزمین‌های اشغالی (UN Special Rapporteur, 2002: 4)، به‌عنوان «قتل‌های فراقضایی» مورد سرزنش قرار گرفته است.

در این زمینه برخی دولت‌ها نظیر اسرائیل و ایالات متحده استدلال می‌کنند که چنین کشتارهایی، اقدامات قانونی جنگی محسوب می‌شود و در قلمرو حق ذاتی دولت در دفاع از خود مشروعیت می‌یابد (Kretzmer, 2005: 172-173). در دکتترین نیز بعضاً در تأیید این مدعا نظریه‌پردازی‌هایی توسط حقوقدانان آمریکایی صورت گرفته است (Gross, 2001: 195). حتی شماری از کارشناسان حقوق بشر نهاد‌های بین‌المللی بر این باورند که در مواردی، قتل هدفمند از نظر قانونی و اخلاقی توجیه‌پذیر است (Kretzmer, 2005: 173). اختلاف در نگرش‌های موجود در خصوص «قتل‌های هدفمند»، نه‌تنها در مورد مبنای اخلاقی یا قانونی آنها، بلکه در خصوص نظام حقوقی حاکم بر آنهاست؛ دو امری که مشروعیت یا عدم مشروعیت قتل هدفمند جز در پرتو آنها قابل بررسی نیست.

دولت‌های حامی مشروعیت قتل هدفمند، ادعای خود را مبتنی بر دفاع مشروع کرده و توسل به این مفهوم را همانند دو نهاد حقوقی دفاع مشروع پیشدستانه و دفاع مشروع پیشگیرانه، ابزاری مؤثر و مشروع برای مقابله با تروریسم تلقی می‌کنند (Kretzmer, 2005: 174) در مقابل، کسانی که این قتل‌ها را به‌عنوان «قتل فراقضایی یا خودسرانه» ممنوع می‌شمرند، نظام حقوقی حاکم بر آن را حقوق بشر بین‌المللی و معیارهای ارائه‌شده در مورد حق حیات و حق محاکمه عادلانه می‌دانند که هم در زمان صلح و هم در حین وقوع مخاصمه مسلحانه قابلیت اعمال دارد؛ نه آنکه این مفهوم را مشمول حقوق مخاصمات مسلحانه و دستمایه توسعه‌طلبی‌های دول غربی در حوزه استثنائات اصل عدم توسل به زور پندارند. از این رو طبقه‌بندی قتل‌های هدفمند به‌عنوان «قتل‌های فراقضایی» به‌جای آنکه تأکید را بر حقوق توسل به زور بگذارد، بر نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری (از جمله جنایت علیه بشریت) متمرکز می‌شود. در چنین نظامی، استفاده عمدی از نیروی کشنده توسط مقامات دولتی، تنها در شرایط کاملاً محدود و استثنایی توجیه‌پذیر است.

1. Amnesty International, and B'Tselem.

۲.۲. قتل فراقضایی در اسناد بین‌المللی

ممنوعیت قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل، از یک سو با حقوق بشر بین‌المللی (از جمله حق حیات و حق محاکمه یا دادرسی عادلانه)، از سوی دیگر با حقوق بین‌الملل بشردوستانه (از جمله ضرورت نظامی) و از دیگر سو با حقوق بین‌الملل کیفری (از جمله جنایت علیه بشریت) در ارتباط است. در این میان، ارتکاب خودسرانه جنایات جنگی مشخص (از جمله قتل) از نقض‌هایی است که هم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم در حقوق بین‌الملل کیفری مدنظر قرار می‌گیرد. از این رو تنوع ابعاد حقوقی قتل فراقضایی، به تنوع اسناد حقوق بین‌الملل در این زمینه منجر می‌شود.

حق حمایت از منع سلب خودسرانه حیات - که لازمه آن عدم مشروعیت قتل فراقضایی است - یک قاعده امره حقوق بین‌الملل عام، قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی و از اصول کلی حقوق بین‌الملل است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. وفق مواد متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر «همه حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارند و هیچ‌کس تحت شکنجه یا دستگیری یا بازداشت خودسرانه قرار نخواهد گرفت» (UDHR, 1948: Articles 3, 5 and 9).

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ (۱۹۶۶) بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را شرح داده و در قالبی الزام‌آور جای می‌دهد. حق حیات، آزادی و امنیت شخصی از جمله حقوقی است که در میثاق مورد بازتأکید قرار گرفته است. محرومیت خودسرانه از زندگی و قتل فراقضایی به موجب این سند ممنوع شده است (ICCPR, 1966: Articles 4, 6, 7 and 9). بند ۱ ماده ۴ میثاق اشعار می‌دارد که حتی در صورت تهدید موجودیت و حیات یک ملت توسط خطری عمومی و استثنایی (فوق‌العاده)، حق حیات افراد قابل نقض نیست؛ مگر در موارد استثنایی و در شرایطی که: اولاً، این خطر رسماً اعلام شود؛ ثانیاً، تدابیر اتخاذی دولت با سایر الزاماتی که دولت وفق حقوق بین‌الملل به عهده دارد، مغایرت نداشته باشد؛ ثالثاً، تدابیر مزبور به تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی منجر نشود. وفق ماده ۶ این میثاق «۱. حق حیات از حقوق ذاتی انسان است، این حق باید به‌موجب قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچ‌کس را نمی‌توان بدون مجوز و به‌طور خودسرانه از زندگی‌اش محروم کرد؛ ۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، صدور این حکم باید فقط در مورد مهم‌ترین و جدی‌ترین جنایات بر طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت صورت گیرد که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوساید^۲ در تعارض باشد. اجرای مجازات اعدام تنها می‌تواند به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح انجام شود».

1. International Covenant on Civil and Political Rights 1966.

2. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Signed on 9 December 1948.

اعلامیه اصول پیشگیری و تحقیق مؤثر در مورد قتل‌های فراقضایی، خودسرانه و اختصاری^۱ سند مرتبط دیگری است که توسط کمیته پیشگیری و کنترل جرم سازمان ملل متحد تهیه شده و در سال ۱۹۸۹ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی ملل متحد رسید.^۲ مرور اسناد حقوق بشری مزبور مبین آن است که در خصوص تضمین حق حیات، بر سه قید تأکید شده است: نخست، ممنوعیت خودسرانه سلب حیات؛ دوم، لزوم محاکمه عادلانه و صدور حکم قطعی از دادگاه صالح در هر مورد سلب حیات؛ و سوم، قانونی بودن مجازات‌های استثنایی سالب حیات. در نتیجه قتل فراقضایی (و قتل هدفمند به‌عنوان مصداق بارز آن)، در نظام بین‌المللی حقوق بشر فاقد این سه شرط است و نامشروع تلقی می‌شود.

علاوه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، منع سلب خودسرانه حق حیات در اسناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز شایان ملاحظه است. در میان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ ماده ۵۰ کنوانسیون ژنو در خصوص بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد^۳ مقرر می‌دارد: «نقض شدید مذکور در ماده قبل، شامل هر یک از اقدامات زیر می‌شود، در صورتی که علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت کنوانسیون ارتکاب یابد: قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی، ایجاد درد شدید به‌طور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جنسی یا به سلامتی، و انهدام و تصرف گسترده اموال که به دلیل ضرورت نظامی قابل توجیه نیست و به‌طور غیرقانونی و به دلخواه شخص انجام می‌شود».

همچنین حسب ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹: «چنانچه مخاصمه مسلحانه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمه متعاهد روی دهد، هریک از دول درگیر در جنگ مکلف‌اند مقررات حداقلی زیر را رعایت کنند: با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند، به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند، یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا بازداشت یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، باید در همه احوال، بدون هیچ‌گونه تبعیض نامساعد از حیث رنگ، نژاد، مذهب، عقیده، جنس، اصل و نسب و یا ثروت و یا هر علت مشابه دیگر، با اصول انسانیت رفتار شود. اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور، در هر زمان و مکان ممنوع خواهد بود: الف) لطمه به حیات و تمامیت بدنی از جمله قتل به تمام اشکال آن، زخم زدن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار...».

بنابراین، در حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز اولاً، در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، قتل

۱. اصطلاح قتل‌های فراقضایی، خودسرانه و اختصاری شامل مواردی است که عفو بین‌الملل از آن به‌عنوان «اعدام‌های فراقضایی» یاد می‌کند.

2. Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extra-Legal, Arbitrary and Summary Executions (adopted by the UN Economic and Social Council on 24 May 1989 in resolution 1989/65 and endorsed by the UN General Assembly on 15 December 1989 in resolution 44/162)

3. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

عمدی که از حیث ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نبوده و به صورت غیرقانونی و خودسرانه انجام شود، فاقد مشروعیت و ناقض حقوق بشردوستانه است؛ و ثانیاً، در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، کسانی که مستقیماً مشارکت در جنگ نداشته (اعم از نظامیان و غیرنظامیان) و حتی نظامیانی که مسلح نباشند، مورد حمایت حقوق بشردوستانه و مستحق رفتار انسانی بوده و سلب حیات ایشان به هر شکل که باشد، فاقد مشروعیت و ناقض حقوق بشردوستانه است. شایان ذکر است که مورد اخیر از «نقض‌های فاحش» کنوانسیون‌های ژنو محسوب می‌شود.

در اسناد مهم حقوق بین‌الملل کیفری نیز سلب خودسرانه حق حیات منع شده است؛ برای نمونه بندهای «ب» و «ج» ماده ۶ اساسنامه دیوان نظامی بین‌المللی نورمبرگ^۱، قتل عمدی را به‌عنوان مصداقی از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تلقی کرده است. بند «ج» ماده ۵ اساسنامه دیوان نظامی بین‌المللی برای خاور دور (توکیو)^۲، نیز قتل عمدی را به‌عنوان جنایت علیه بشریت، مدنظر قرار داده است. ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۳، هم قتل عمدی را نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ قلمداد نموده و شق الف از بند ۲ ماده ۴ این اساسنامه، کشتن اعضای یک گروه را مصداق جرم ژنوساید و داخل در صلاحیت خود شمرده است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا^۴، سند دیگری است که شق الف از بند ۲ ماده ۲ آن، کشتن اعضای یک گروه را در قالب جرم ژنوساید مقرر کرده و ماده ۳ آن، قتل عمدی را جنایت علیه بشریت تلقی کرده است. در نهایت، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۵ علاوه بر اینکه در بند «الف» ماده ۶ کشتن اعضای یک گروه به قصد از بین بردن کل گروه را در قالب جنایت ژنوساید تعریف کرده، به موجب ماده ۷، قتل عمدی و نابودسازی را در صورتی که به‌عنوان بخشی از یک حمله علیه گروهی غیرنظامی و به صورت گسترده یا سازمان‌یافته و با علم به آن حمله صورت گیرد، مصداقی از جنایت علیه بشریت شمرده است. از این رو در پرتو اسناد حقوق بین‌الملل کیفری نیز ممنوعیت قتل فراقضایی قابل احراز بوده و از بین بردن حیات یا قتل به صورت عمدی، به مثابه مصداق جنایات فاحش بین‌المللی از جمله جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی جرم‌انگاری شده است.

۳.۲. قتل فراقضایی در رویه محاکم و نهادهای بین‌المللی

گذشته از اسناد بین‌المللی، محاکم بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی شبه‌قضایی در حوزه حقوق بشر نیز قتل فراقضایی را مدنظر قرار داده و در موارد خاصی ممنوعیت آن را مقرر کرده‌اند. کمیته حقوق بشر ملل

1. Charter of the International Military Tribunal (Nuremberg) 1945.
2. Charter of the International Military Tribunal for The Far East (Tokyo) 1946.
3. Statute of the International Criminal Tribunal for the (former Yugoslavia) 1993.
4. Statute of the International Tribunal for (RWANDA) 1994.
5. Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) 1998.

متحد^۱ در پرونده قرقیزستان علیه امتالیو^۲، ادعای قتل فراقضایی را در خصوص ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد رسیدگی قرار داد.^۳ در این پرونده، یک شبه‌نظامی دولتی با تلاش برای متفرق ساختن جمعیتی که در تظاهرات سیاسی حضور داشتند، با سلاح‌های خودکار به سمت تظاهرات‌کنندگان شلیک کرد. الدیار امتالیو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. علاوه بر آن، چندین نفر از تظاهرات‌کنندگان دیگر نیز زخمی شدند. کمیته حقوق بشر اعلام کرد که استفاده از سلاح گرم توسط مقامات دولتی می‌تواند عواقب قطعی برای حق حیات داشته: Rights Committee, 2008: (Human Paras 4 and 9) و در این حالت، محرومیت از حیات توسط مقامات دولتی بسیار جدی است. بنابراین، قانون باید شرایطی را که در آن ممکن است شخصی توسط مقامات دولتی از زندگی محروم شود، کاملاً مدنظر داشته و محدود کند (Human Rights Committee, 2008: Paras 5 and 9). کمیته همچنین اذعان کرد که قرقیزستان هیچ استدلالی مبنی بر اتخاذ اقدامات مؤثر و ممکن برای جلوگیری از محرومیت خودسرانه حیات، در مقام تضمین اجرای تعهد خود مبنی بر حمایت از حق حیات وفق بند ۱ ماده ۶ میثاق، ارائه نکرده است (Human Rights Committee, 2008: Paras 4 and 9). کمیته در نهایت اظهار کرد که استدلال‌های ارائه‌شده توسط مقامات، نشان‌دهنده مسئولیت مستقیم دولت عضو در قبال مرگ الدیار اومتالیو، با به‌کارگیری زور نامتعارف است.

از دیدگاه دیدبان حقوق بشر نیز مصادیقی از قتل فراقضایی به‌صراحت در حقوق بین‌الملل منع شده است؛ برای نمونه «در درگیری‌های مسلحانه که ذاتاً مشمول حقوق بین‌الملل است، کشتن سربازان مجروح و سربازانی که صرفاً نظاره‌گر درگیری مسلحانه‌اند و به‌عنوان نظامیان دشمن دستگیر می‌شوند، جنایات جنگی است» (Shrawat, 2017: 2) از این‌رو چنانچه قتل فراقضایی خارج از یک درگیری مسلحانه یا در منطقه‌ای جدای از محل درگیری‌ها صورت گیرد، به‌طریق اولی مشمول این ممنوعیت می‌شود.

دیوان آمریکایی حقوق بشر^۴ نیز در مورد قتل‌های فراقضایی، رویه قضایی مشابهی ارائه کرده است. در قضیه کاراکازو^۵ علیه ونزوئلا، دیوان آمریکایی پرونده‌ای را در خصوص استفاده از زور توسط پلیس در جریان وضعیتی اضطراری، بررسی کرد.^۶ در این قضیه، نیروهای پلیس و ارتش، مجموعه‌ای از اقدامات را برای سرکوب اعتراضات انجام دادند؛ از جمله آنکه متوسل به تیراندازی‌های بی‌رویه‌ای شدند که به مرگ

-
1. U.N. Human Rights Committee
 2. Umetaliev
 3. Human Rights Committee, Umetaliev and Tashtanbekova v. Kyrgyzstan, Comm. 1275/2004, 30 October 2008.
 4. Inter-American Court of Human Rights
 5. Caracazo
 6. Inter-American Court of Human Rights, Case of the Caracazo v. Venezuela, Judgment of 11 November 1999.

غیرنظامیان زیادی در روستاها و مناطق اطراف آنها منجر شد. (Inter-American Court of Human Rights, 1999: Paras 2. h and 2. k) برخی از این قربانیان حتی در اعتراضات مدنی شرکت هم نداشتند، بلکه در خانه‌های خود پنهان شده بودند. دیوان نتیجه گرفت دولت ونزوئلا در مورد نقض حقوق مورد حمایت به موجب مواد ۴ (۱) (حق حیات)، ۵ (حق رفتار انسانی)، ۷ (حق آزادی شخصی)، ۸ (۱) (حق دادرسی عادلانه)، ۲۵ (۱) و (۲) (حق حمایت قضایی) و ۲۷ (۳) (تعلیق ضمانت‌نامه‌ها) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۱ (۱۹۶۹))، دارای مسئولیت بین‌المللی است (Inter-American Court of Human Rights, 1999: Para 2. K). همچنین دیوان اظهار می‌دارد که مطابق با مواد ۱ (۱) (تعهد به رعایت حقوق) و ماده ۲ (آثار حقوقی داخلی) کنوانسیون، نسبت به اشخاص موردنظر، نقض صورت گرفته است. (Inter-American Court of Human Rights, 1999: Para 42).

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان مرجع قضایی بین‌المللی در سطح جهانی، در نظریه مشورتی مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، در مورد «مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای»، مقرر کرد: «حمایت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در مواقع جنگ متوقف نمی‌شود؛ مگر با اجرای ماده ۴ میثاق که به موجب آن، برخی از مقررات در مواقع اضطراری ملی قابل لغو هستند. درحالی‌که چنین مقرراتی شامل حق حیات نیست و اصولاً محرومیت خودسرانه از حق حیات در وضعیت مخاصمات نیز اعمال می‌شود» (I.C.J., 1996: paras. 24-25) این رأی دیوان در مقام تضمین حق حیات، صراحتاً محرومیت خودسرانه از حق حیات را چه در زمان صلح و چه در زمان بروز یک مخاصمه مسلحانه غیرقابل لغو می‌داند. در مجموع، رویه محاکم قضایی بین‌المللی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای و نیز رویه محاکم شبه‌قضایی بین‌المللی، حکایت از تضمین حق حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه حق حیات دارد.

۳. اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد

یکی از مهم‌ترین و واکنش‌برانگیزترین وقایعی که می‌تواند در پرتو مفهوم قتل فراقضایی و از جمله قتل هدفمند بررسی شود، عملیات نظامی ایالات متحده آمریکا علیه فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران، سردار شهید قاسم سلیمانی و همراهان در فرودگاه بغداد است. به‌منظور تحلیل حقوقی این موضوع، مروری بر واقعیات این رویداد ضرورت دارد، تا بتوان آن واقعیات را به‌عنوان امور موضوعی، با نظام حقوقی حاکم تطبیق کرده و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن را احراز کرد. در این زمینه پس از بیان وقایع، ابتدا تطبیق عناصر واقعه با مفهوم قتل فراقضایی و پس از آن، تحلیل این عناصر از منظر اسناد بین‌المللی ضرورت می‌یابد.

1. American Convention on Human Rights, Adopted at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights, San José, Costa Rica, 22 November 1969.

۱.۳. واقعه فرودگاه بغداد و زمینه‌های آن

از مهرماه ۱۳۹۸ مقارن با اوایل اکتبر ۲۰۱۹، بخشی از مردم عراق با تحریکات خارجی به وضعیت اقتصادی خود اعتراضاتی را آغاز کردند. در پی تداوم این اعتراضات، در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، حمله‌ای به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در کربلای معلی و نجف اشرف صورت گرفت (زمانی و برلیان، ۱۳۹۹: ۱۰۷). وزارت امور خارجه عراق، در ۲۸ نوامبر، با انتشار بیانیه‌ای، به اقدام معترضان مبنی بر حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران، واکنش نشان داد و این حمله را محکوم کرد (Islamic Republic News Agency, 1398).

در ۲۷ دسامبر همان سال، حمله راکتی ناشناسی علیه پایگاه نظامی K-1 ایالات متحده در نزدیکی شهر کرکوک انجام گرفت که طی آن، یک پیمانکار نظامی آمریکایی کشته شد. دو روز بعد، جنگنده‌های این دولت، چند مقر گردان‌های حزب‌الله عراق را در مرز با سوریه بمباران کردند (فضائی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). در پاسخ به این حمله، در ۳۱ دسامبر جماعت گسترده‌ای از مردم عراق با شرکت در تشییع جنازه شهدای این حادثه، به سمت سفارت ایالات متحده در منطقه سبز بغداد حرکت کرده و به محض ورود به این سفارت، اقدام به تحصن در محوطه سفارت کردند. دولت جمهوری اسلامی ایران هرگونه مشارکت در این ورود اعتراضی به سفارت ایالات متحده را تکذیب کرد (Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, 1398) ولی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، در نخستین ساعات ۱ ژانویه ۲۰۲۰، در توئیٹ خود به مناسبت تبریک سال نو میلادی، ایران را مسئول حمله به سفارت آن کشور در عراق معرفی نموده و نوشت: «ایران برای تلفات جانی یا خسارات وارده در هریک از اماکن ما، مسئولیت خواهد داشت ... آنها بهای گزافی را خواهند پرداخت! این یک هشدار نیست، یک تهدید است» (Twitter.com, 2019: 1).

دو روز پس از تهدید ترامپ در بامداد ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی ماه ۱۳۹۸)، پهپاد نظامی MQ-9 بدون سرنشین^۱ آمریکایی، به سمت دو خودرو که حامل سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس معاون نیروهای حشدالشعبی^۲ و همراهان وی، حمله موشکی انجام داد. در مجموع سه موشک شلیک شد؛ دو موشک نخست به خودروی دوم که حامل سردار سلیمانی بود اصابت کرد و خودروی اول که اقدام به فرار کرد، گرفتار تک‌تیراندازان شده و صد متر جلوتر هدف موشک سوم قرار گرفت. در این حمله، علاوه بر سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، هشت نفر دیگر که چهار نفر آن از نیروهای سپاه پاسداران (حسین پورجعفری، شاهرود مظفری‌نیا، هادی طارمی و وحید زمانیان) و چهار نفر دیگر از اعضای

1. Unmanned

۲. نیروهای حشدالشعبی؛ گروه‌های مسلح مردمی هستند که به موجب دستور شماره ۹۱ دولت عراق در (۲۴ فوریه ۲۰۱۵) ۵ اسفند ۱۳۹۴، پارلمان عراق با اکثریت قاطع شامل رأی مثبت ۲۰۸ نماینده شیعه، سنی و کرد قانون الحاق حشدالشعبی به نیروهای مسلح عراق و تحت فرماندهی کل نیروهای مسلح را به تصویب رساند.

نیروهای بسیج مردمی عراق^۱ (محمد رضا الجابری، حسن عبده الهادی، محمد الشیبانی و حیدر علی) بودند، کشته شدند. پس از این حادثه، کاخ سفید با صدور اعلامیه‌ای، مسئولیت این حمله نظامی را پذیرفت. در این اعلامیه، دلیل این اقدام نظامی، «دفاعی قاطع به منظور ارباب ایرانی‌ها برای حملات آینده» ذکر شده است (US Department of Defense, 2020).

اما تا به حال، در توجیهاات ارائه شده از طرف رئیس‌جمهور و مقامات آمریکایی در راستای حمله علیه سردار سلیمانی و کشتن وی، آنها استدلال می‌کنند سردار سلیمانی مسئول فعالیت‌های گذشته و جنایات شدید بود که با نقض حقوق بشری مرتبط بودند (Callamard, 2020: 3). در حالی که سردار سلیمانی طی سال‌های اخیر و مطابق با تعهدات جمهوری اسلامی ایران بر اساس موازین حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مربوط به شورای امنیت در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی، نقش مهمی در کمک به مردم و دولت‌های برخی از کشورهای منطقه به درخواست و رضایت آنها در راستای مبارزه و شکست خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی مانند داعش و دیگر گروه‌های تروریستی تعیین شده توسط شورای امنیت ایفا کرده است (UN. S/2020/13). بنابراین صرف چنین ادعاهای بی‌اساس توسط رئیس‌جمهور و مقامات آمریکایی برای قانونی تلقی کردن قتل وی کافی نیست.

سردار سلیمانی به دعوت عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق، برای یک دیدار رسمی به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران، از دمشق وارد عراق شد که پرواز وی حدود ساعت ۱:۰۰ بامداد، در فرودگاه بغداد فرود آمد. ایشان در فرودگاه با ابومهدی المهندس که از جانب دولت عراق به استقبال او آمده بود، دیداری مقدماتی داشت (Human Rights Council, 2020: 23). سفر وی به‌عنوان یک مأموریت مستشاری و در وضعیتی غیرجنگی بوده تا آن‌گونه که ایرج مسجدی، نماینده سپاه پاسداران در عراق، اظهار داشته، پیام تهران به عربستان سعودی را تحویل مقامات بغداد دهد (Islamic Republic News Agency, 1398: 83660777). در این واقعه، سردار سلیمانی که هدف اصلی این حمله بوده، نظر به ماهیت این سفر که یک دیدار رسمی بوده، حامل سلاح نبوده است. همچنین در این سفر، قصد یا برنامه‌ریزی قبلی برای حمله مسلحانه علیه نیروهای ایالات متحده، وجود نداشته است.

۳.۲. واقعه فرودگاه بغداد از منظر مفهوم قتل فراقضایی

همان‌گونه که در بخش نخست مقاله حاضر بررسی شد، استفاده عمدی از زور کشنده توسط دولت‌ها، که بر اساس قوانین و مقررات حق حیات قابل توجیه نبوده و بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه، به صورت خودسرانه صورت گرفته باشد، قتل فراقضایی نامیده می‌شود. مرور رویه برخی دولت‌ها

1. Iraq's Popular Mobilization Forces (PMFs)

نشان داد که در موارد زیادی، با توسل به این مفهوم، به اعمال سیاست‌های دوره‌ای خود برای از بین بردن و حذف مخالفان پرداخته‌اند. قتل‌های فراقضایی یا خودسرانه، در وهله نخست، حق حیات و به تبع آن، سایر حقوق شخص هدف اعم از دادرسی یا محاکمه عادلانه را نقض کرده و علاوه بر نقض حقوق بشری فرد، با تخلف از ضوابط حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، مسئولیت بین‌المللی دولت اقدام‌کننده را در پی خواهد داشت.

در واقعه اقدام ایالات متحده آمریکا علیه سردار سلیمانی، با عنایت به اینکه وزارت دفاع ایالات متحده ضمن صدور اعلامیه‌ای، با اعلان خبر کشته شدن سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای نظامی ایران در عراق، سوریه، لبنان و سایر نقاط خاورمیانه، اظهار کرد که کشته شدن ایشان توسط نیروهای ارتش آمریکا، به دستور مستقیم رئیس‌جمهور ترامپ بوده است (E. Lee & Kube, 2020: 1)، می‌توان شرایط لازم برای تحقق مفهوم قتل فراقضایی را محقق دانست. اولاً، فعل صورت گرفته، قتل یا سلب حیات بوده است؛ ثانیاً، ارتکاب این فعل به صورت عمدی و با قصد قبلی رئیس‌جمهور و دولت وقت ایالات متحده صورت گرفته است؛ ثالثاً، اقدام منتسب به دولت ایالات متحده است؛ رابعاً، ارتکاب فعل به صورت خودسرانه و بدون طی فرایند محاکمه یا دادرسی عادلانه صورت گرفته است؛ خامساً، مطابق رویه معمول دولتهایی که اقدام به حذف مخالفان خود می‌کنند، قواعد مربوط به حق حیات و استثنائات آن را نقض کرده است. در نتیجه این واقعه را از منظر تطبیق با قتل فراقضایی باید مصداق بارز این مفهوم تلقی کرد. کارشناسانی چون آنیس کالامار^۱ و ماری الن اوکانل^۲، صلاحیت اعمال قتل‌های فراقضایی را بلافاصله و در واکنش اولیه خود رد می‌کنند (Janik, 2020: 3). تطبیق اجمالی حمله ایالات متحده با قتل فراقضایی مورد توجه یکی از گزارشگران موضوعی شورای حقوق بشر ملل متحد نیز قرار گرفته است. خانم آنیس کالامار گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، اختصاری و خودسرانه، کشته شدن سردار سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد به دست نیروهای آمریکایی را به صراحت نقض آشکار ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانسته است (Human Rights Council, 2020: Para 81).

به لحاظ مفهومی، این واقعه علاوه بر قتل فراقضایی می‌تواند مشمول مفهوم اخص قتل هدفمند نیز باشد. همان‌گونه که در بخش نخست مقاله اشاره شد، در قتل هدفمند نیز ابزار کشنده برای کشتن افراد و از روی عمد و اراده قبلی، بدون اینکه شخص محاکمه شود، به کار می‌رود. آن‌گونه که پیشتر ذکر شد، قتل هدفمند موجب سلب حیات و حق محاکمه عادلانه می‌شود و از این رو یکی از مصادیق قتل فراقضایی محسوب می‌شود. قتل مذکور نیز می‌تواند در وضعیت مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی اتفاق بیفتد (Gurmendi, 2020). گزارشگر ویژه آنیس کالامار نیز بیان می‌کند فعل صورت گرفته از جانب

1. Agnès Callamard.
2. Mary Ellen O'Connell

ایالات متحده آمریکا علیه سردار سلیمانی، می‌تواند مصداق قتل هدفمند به‌عنوان یکی از مصادیق قتل فراقضایی نیز باشد (Human Rights Council, 2020: Para 81). البته استفاده از نیروهای عملیات ویژه ارتش آمریکا و قتل‌های هدفمند در مقیاس بزرگ جهانی، سیاست و راهبرد اصلی رئیس‌جمهور اوباما بود که توسط دونالد ترامپ ادامه می‌یافت (Dvir, 2020: 1). پس از تطبیق واقعه فرودگاه بغداد با مفهوم قتل فراقضایی، بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت این واقعه از منظر حقوق بین‌الملل نیازمند آن است که عناصر واقعه با مفاد و قیود اسناد بین‌المللی در مورد قتل فراقضایی تطبیق داده شود.

۳.۳. واقعه فرودگاه بغداد از منظر اسناد و رویه قضایی بین‌المللی

همان‌گونه که در قسمت نخست این پژوهش مشخص شد، قتل فراقضایی حداقل با سه حوزه از حقوق بین‌الملل عمومی در ارتباط است: حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری. در نتیجه تحلیل واقعه فرودگاه بغداد به‌عنوان مصداقی از قتل فراقضایی در پرتو اسناد بین‌المللی مستلزم آن است که اسناد مربوطه در این سه حوزه از حقوق بین‌الملل مورد مذاقه قرار گرفته و عناصر این واقعه بر اساس مفاد و قیود آن اسناد ارزیابی شود. رویه قضایی بین‌المللی نیز منبع کمکی دیگری است که می‌تواند در ارزیابی مشروعیت یا عدم مشروعیت این واقعه، ثمربخش باشد. خروجی این ارزیابی آن خواهد بود که آیا اقدام نظامی علیه سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل مشروعیت داشته است یا خیر و اگر فاقد مشروعیت بوده، ایالات متحده بابت ارتکاب این اقدام، مرتکب نقض چه مقرراتی از حقوق بین‌الملل شده است. احراز این مقررات، مقدمه تحقق مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده به‌ویژه از جنبه حکمی یعنی تحقق نقض خواهد بود. اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر که ناظر به عدم مشروعیت قتل‌های فراقضایی و یا قتل‌های هدفمند بوده و پیشتر مورد مذاقه قرار گرفته است، سلب استثنایی حیات را منوط به قیودی نموده است: ۱. هر گاه یک خطر عمومی و استثنایی حق حیات ملت را تهدید کند؛ ۲. این خطر رسماً اعلام شود؛ ۳. تدابیر اتخاذی دولت‌ها با سایر الزاماتی که وفق حقوق بین‌الملل بر عهده دارند، مغایرت نداشته باشد؛ ۴. تدابیر مزبور، به تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی منجر نشود؛ ۵. دولت‌هایی که استثنائاً اقدام به سلب حیات کرده‌اند، بلافاصله سایر دولت‌های طرف میثاق را توسط دبیرکل ملل متحد، مطلع کنند؛ ۶. مجازات اعدام، فقط در مورد مهم‌ترین و جدی‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت قابل اعمال است؛ ۷. چنین مجازاتی نباید با تعهدات بین‌المللی دولت از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوساید در تعارض باشد؛ ۸. اجرای مجازات اعدام تنها به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح قابل اعمال است.^۱

۱. ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

در حالی که ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی به‌عنوان حقوق غیرقابل استثنای در بند ۲ ماده ۴ میثاق گنجانده شده است و تضمینات علیه سلب خودسرانه حیات مندرج در ماده ۶ همچنان در هر شرایطی از جمله در مخاصمات مسلحانه و سایر موارد اضطراری عمومی نیز اعمال می‌شود. اگرچه برخی از حقوق میثاق غیر از حق حیات ممکن است مورد تعلیق یا نقض واقع شود؛ لیکن حقوقی که از ماده ۶ حمایت می‌کنند، نباید با اقدامات تعلیقی کاهش یابند. این حقوق شامل تضمینات رسیدگی مانند حق دادرسی عادلانه در پرونده‌های مجازات اعدام و اقدامات قابل دسترس و مؤثر برای احقاق حقوق از جمله وظیفه اتخاذ تدابیر مناسب برای تحقیق، تعقیب قانونی، مجازات و جبران نقض‌های حق حیات است (Human Rights Committee, 2018: No. 36, Para 76).

بنابراین، هنگام اقدام ایالات متحده علیه سردار سلیمانی، اولاً، هیچ خطر عمومی و استثنایی حیات ملت را تهدید نمی‌کرد؛ بدین سبب برای این که حمله علیه سردار سلیمانی تحت حقوق بشر قانونی باشد، در ابتدا ایالات متحده باید اثبات می‌کرد که وی تهدید قریب‌الوقوعی برای حیات دیگران است و به‌منظور حفظ حیات هیچ گزینه دیگری نداشته (Callamard, 2020: 3)؛ ثانیاً، چنین خطری رسماً اعلام نشده بود، بلکه بر عکس، سفر وی به عراق، در قالب یک مأموریت مستشاری صورت گرفته و به دعوت عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق، برای یک دیدار رسمی به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران، انجام گرفته بود؛ و ثالثاً، سردار سلیمانی و هیأت همراه هرگز در دادگاهی صالح و با طی فرایند محاکمه عادلانه، مستحق مجازات اعدام تشخیص داده نشده بودند. تطبیق واقعه فرودگاه بغداد با این قیود و استنباط از شرح شماره ۳۶ بر ماده ۶ میثاق؛ نشان می‌دهد که اقدام ایالات متحده علیه سردار سلیمانی و حیات همراه و به قتل رساندن ایشان، از منظر اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر، مصداق سلب خودسرانه حق حیات بوده و به‌عنوان قتل فراقضایی، فاقد وجهت قانونی است. چنانچه استفاده از پهپاد یا سایر اعمال به‌غایت کشتن افراد فراتر از زمینه خصومت و تقابل فعال، هرگز قانونی نیست (خالقی، ۱۳۹۹: ۳۳). همین‌طور کریستف هینز^۱ و آنیس کالامار، دو گزارشگر سابق ویژه اعدام‌های فراقضایی، اختصاری و خودسرانه در ارائه گزارش خود به سازمان ملل، در راستای استفاده از پهپادهای نظامی اظهار کردند برای قانونی بودن حمله پهپادهای بدون سرنشین، باید الزامات قانونی تحت تمام رژیم‌های حقوقی بین‌المللی قابل اجرا از جمله حقوق بین‌الملل توسل به زور، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر رعایت شود (UN. (A/68/382), 2013: 18). (Human Rights Council, 2020: Para 11).

در حالی که در حمله پهپاد نظامی نیروهای ایالات متحده علیه سردار سلیمانی و هیأت همراه، هیچ‌کدام از رژیم‌های حقوقی بین‌المللی رعایت نشده و همچنین ایشان هرگز در دادگاهی صالح و با طی فرایند

محاکمه عادلانه، مستحق مجازات اعدام تشخیص داده نشده بودند، چراکه اگر وقوع جنایت از سوی سردار سلیمانی محرز بود و ایالات متحده می‌توانست وقوع جنایت و عناصر مسئولیت کیفری و قابلیت انتساب و ... را احراز کند، همان مسیر را انتخاب می‌کرد تا اقداماتش و جاهت حقوقی داشته باشد. دولت آلمان نیز اقدام به قتل فراقضایی توسط پهپادهای بدون سرنشین را قاطعانه رد و اعلام می‌کند استفاده از این پهپادها تنها مطابق قانون و برای اعمال مشروع مجاز است (Schueller, 2020).

اسناد بین‌المللی ناظر بر حقوق بشردوستانه نیز حاوی ممنوعیت‌هایی برای قتل فراقضایی است؛ از جمله آنکه قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی شامل آزمایش‌های بیولوژیکی، ایراد درد شدید به‌طور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جنسی یا به سلامتی، و انهدام و تصرف گسترده اموال که به‌دلیل ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نیست و به‌طور غیرقانونی و به‌دلخواه شخص انجام می‌گیرد و همچنین لطمه به حیات و تمامیت بدنی از جمله قتل به تمام اشکال آن، زخم زدن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار و رفتارهایی از این قرار با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند، به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند، یا کسانی که به‌علت بیماری یا زخم یا بازداشت یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، ممنوع است. از این رو چنانچه در زمان حمله آمریکا علیه سردار سلیمانی مخاصمه مسلحانه‌ای میان ایران و آمریکا محرز گردد، حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابلیت اعمال پیدا می‌کند (Human Rights Council, 2020: Para 21). مطابق قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه، نمی‌توان عملیات انجام‌شده از طرف نیروهای آمریکایی علیه سردار سلیمانی را به‌عنوان مخاصمه مسلحانه تلقی کرد (Askary, 2020: 1)، اما طبق گزارش خانم آنیس کالامار، برخی از پژوهشگران حقوقی استدلال می‌کنند حمله صورت‌گرفته در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ ایجادکننده مخاصمه مسلحانه نبوده، زیرا معتقدند مخاصمه مسلحانه، قبل از آن، یعنی در حملات نوامبر و دسامبر ۲۰۱۹ توسط گروه‌هایی از جانب ایران علیه نیروهای آمریکایی حاضر در خاک عراق شروع شده بود. بدین سبب حمله علیه سردار سلیمانی در راستای همان مخاصمه بوده و کشتن وی قانونی قلمداد می‌شود (Human Rights Council, 2020: Para 21).

(21). درحالی‌که حق حیات به‌عنوان عالی‌ترین حقوق بشری حتی در وضعیت مخاصمات مسلحانه نیز قابلیت اعمال دارد و نادیده گرفتن آن مجاز نیست. در این فرض، سلب خودسرانه حیات در نتیجه واقعه فرودگاه بغداد، اولاً، با نقض حقوق بین‌الملل توسل به زور صورت گرفته (Gurmendi, 2020: 2)؛ ثانیاً، ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نبوده؛ ثالثاً، به‌طور غیرقانونی و به‌دلخواه ارتکاب یافته است؛ رابعاً، لطمه به حیات و تمامیت بدنی نسبت به اشخاصی صورت گرفته است که مستقیماً در جنگ شرکت نداشته و فاقد سلاح بوده‌اند. بنابراین تطبیق واقعه فرودگاه بغداد با ممنوعیت‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه گویای آن است که قتل عمدی سردار سلیمانی و هیأت همراه، به‌صورت خودسرانه انجام گرفته، سلب حیات ایشان نیز فاقد مشروعیت و ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و چنین سلب حیاتی به‌عنوان

مصادقی از مفهوم قتل فراقضایی، در زمره نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ محسوب می‌شود. در نهایت مطابق اسناد مرتبط با حوزه حقوق بین‌الملل کیفری که نوبت به جرم‌انگاری نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌رسد، نیز می‌توان با مذاقه در عنصر مادی جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، این عناصر را بر واقعه فرودگاه بغداد منطبق کرد. عنصر مادی جنایات منجر به قتل در حقوق بین‌الملل کیفری، در صورتی که به‌عنوان بخشی از یک حمله علیه گروهی غیرنظامی و به شکل گسترده یا سازمان‌یافته و با علم به آن حمله انجام یابد، جنایت علیه بشریت و چنانچه به‌عنوان بخشی از یک برنامه یا خط‌مشی گسترده صورت گیرد، جنایات جنگی تلقی می‌شود. نظر به آنکه واقعه فرودگاه بغداد، در جریان یک مخاصمه مسلحانه شکل نگرفته است، عنصر مادی سلب حیات در این واقعه، می‌تواند به‌مثابه جنایت علیه بشریت ارزیابی شود؛ چراکه اولاً، قربانیان واقعه فرودگاه بغداد در آن لحظه، وصف نظامی نداشته‌اند؛ ثانیاً، اقدام ایالات متحده با علم به حمله مزبور و با وصف عمدی صورت گرفته است؛ و ثالثاً، وقایع مربوطه از جمله استفاده از راکت‌های نقطه‌زن، می‌تواند قرینه‌ای بر سازمان‌یافته بودن اقدام باشد.

رویه قضایی محاکم بین‌المللی نیز همواره در مقام حمایت از حق حیات و محدود کردن استثنائات آن بوده است. مطابق یافته‌های رویه قضایی محاکم بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای که گزیده‌ای از آن در بخش نخست مقاله اشاره شد نیز اولاً، ایالات متحده برای جلوگیری از محرومیت خودسرانه حیات در واقعه فرودگاه بغداد اقدامی نکرده است؛ و ثانیاً، سلب حیات سردار سلیمانی و همراهان وی را بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه انجام داده است. از این‌رو در پرتو آورده‌های رویه قضایی بین‌المللی، اقدام ایالات متحده در این واقعه که می‌تواند مصادقی از مفهوم قتل فراقضایی باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی این دولت از یک سو و مسئولیت کیفری بین‌المللی مقامات و فرماندهان نظامی مربوطه جهت ارتکاب جنایات بین‌المللی، از سوی دیگر است.

۴. نتیجه

پرسش اساسی مقاله آن بود که آیا اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد می‌تواند قتل فراقضایی در حقوق بین‌الملل تلقی شود؟ یافته‌های مقاله پیش‌رو حکایت از آن دارد که نسبت میان قتل فراقضایی و اقدام ایالات متحده علیه سردار شهید سلیمانی و هیأت همراه در فرودگاه بغداد، از دو نظر قابل ارزیابی است: نخست از حیث مفهوم قتل فراقضایی؛ و دوم از حیث اسناد بین‌المللی ناظر بر این مفهوم.

از حیث مفهوم قتل فراقضایی، اقدام ایالات متحده اولاً، قتل یا سلب حیات بوده است؛ ثانیاً، ارتکاب این فعل به‌صورت عمدی و با قصد قبلی رئیس‌جمهور و دولت وقت ایالات متحده صورت گرفته است؛ ثالثاً،

اقدام متناسب به دولت ایالات متحده است؛ رابعاً، ارتکاب فعل به صورت خودسرانه و بدون طی فرایند محاکمه یا دادرسی عادلانه صورت گرفته است؛ خامساً، مطابق رویه معمول دولتهایی که اقدام به حذف مخالفان خود می‌کنند، قواعد مربوط به حق حیات و استثنائات آن را نقض کرده است. در نتیجه این واقعه را از منظر تطبیق با قتل فراقضایی باید مصداق بارز این مفهوم تلقی کرد. همچنین از آنجا که قتل هدفمند نیز موجب سلب حق حیات و حق محاکمه عادلانه می‌شود، اقدام ایالات متحده می‌تواند مصداق قتل هدفمند به‌عنوان یکی از مصداق قتل فراقضایی نیز باشد. البته شایان ذکر است، سردار سلیمانی و هیأت همراه هرگز در دادگاهی صالح و با طی فرایند محاکمه عادلانه، مستحق مجازات اعدام تشخیص داده نشده بودند، چراکه اگر وقوع جنایت از جانب سردار سلیمانی محرز بود و ایالات متحده می‌توانست وقوع جنایت و قابلیت انتساب را احراز کند، همان مسیر را انتخاب می‌کرد تا اقدامش دارای وجهت حقوقی باشد.

از حیث اسناد بین‌المللی، ایالات متحده علاوه بر نقض حقوق بشری قربانیان این واقعه، از ضوابط حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، نیز تخلف کرده است: در حوزه نظام بین‌المللی حقوق بشر، اولاً، در زمان وقوع این اقدام، هیچ خطر عمومی و استثنایی حیات ملت آمریکا را تهدید نمی‌کرد؛ ثانیاً، چنین خطری رسماً اعلام نشده بود؛ و ثالثاً، سردار سلیمانی و هیأت همراه هرگز در دادگاهی صالح و با طی فرایند محاکمه عادلانه، مستحق مجازات اعدام تشخیص داده نشده بودند. در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، سلب خودسرانه حیات در نتیجه واقعه فرودگاه بغداد، اولاً، با ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نبوده است؛ ثانیاً، به‌طور غیرقانونی و به‌دلخواه ارتکاب یافته است؛ ثالثاً، لطمه به حیات و تمامیت بدنی نسبت به اشخاصی صورت گرفته است که مستقیماً در جنگ شرکت نداشته و فاقد سلاح بوده‌اند. در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری نیز نظر به آنکه واقعه فرودگاه بغداد، در جریان یک مخاصمه مسلحانه شکل نگرفته است، عنصر مادی سلب حیات در این واقعه، می‌تواند به‌مثابه جنایت علیه بشریت ارزیابی شود؛ چراکه اولاً، قربانیان واقعه فرودگاه بغداد در آن لحظه، وصف نظامی نداشته‌اند؛ ثانیاً، اقدام ایالات متحده با علم به حمله مزبور و با وصف عمدی صورت گرفته است؛ و ثالثاً، وقایع مربوطه از جمله استفاده از راکت‌های نقطه‌زن، می‌تواند قرینه‌ای بر سازمان‌یافته بودن اقدام باشد.

بر اساس یافته‌های مزبور، می‌توان فرضیه مقاله حاضر را یک‌بار دیگر مرور کرد. حسب فرضیه، ایالات متحده با اقدام به محرومیت خودسرانه حیات، بدون مجوز قانونی و بدون طی فرایند محاکمه عادلانه، علیه سردار سلیمانی و هیأت همراه، مرتکب قتل فراقضایی شده و علاوه بر نقض حقوق بشری این اشخاص، از ضوابط حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری نیز عدول کرده است. به‌نظر می‌رسد که سیر مقاله و یافته‌های آن، فرضیه مقاله را تأیید می‌کند. در نهایت، نظر به آنکه نقض حقوق بین‌الملل در سه حوزه حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، در اقدام ایالات متحده علیه سردار سلیمانی و هیأت همراه، قرائن قابل اتکایی دارد، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران، با مراجعه به

محاکم بین‌المللی صالح همچون دیوان بین‌المللی دادگستری بر مبنای نقض کنوانسیون سال ۱۹۷۳ در خصوص جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران سیاسی، دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه رم در قالب صلاحیت موردی دیوان یا نهادهای بین‌المللی شبه‌قضایی در حوزه حقوق بشر، مانند کمیته حقوق بشر ملل متحد نقض‌های صورت گرفته را پیگیری کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. جوزف، سارا؛ شولتز، جنی و کسن، ملیسا (۱۳۹۵). *میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر*. ترجمه سید قاسم زمانی، آرمین طلعت و همکاران، ج ۱، تهران: شهردانش.

ب) مقالات

۲. خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۹). امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲، ۲۵ - ۶۲.

۳. زمانی، سید قاسم و برلیان، پوریا (۱۳۹۹). آمریکایی‌سازی حقوق بین‌الملل و چالش‌های فراروی جامعه بین‌المللی: ترور هدفمند سردار قاسم سلیمانی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲، ۹۱ - ۱۲۲.

۴. سرتیپی، حسین و بردبار، احمدرضا و موسی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۳۸، ۳۹ - ۷۶.

۵. عزیزی، ستار (۱۳۹۹). قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲، ۱۲۳ - ۱۵۰.

۶. فضائلی، مصطفی (۱۳۹۹). ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲، ۱۵۱ - ۱۸۸.

۷. نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۹۹). امکان‌سنجی حقوقی توصیف ترور سردار سلیمانی و دیگران به‌مثابه جنایت علیه بشریت. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲، ۲۴۵ - ۲۷۵.

۲. انگلیسی

A) Books

15. A Schabas, W. (2015). *The European Convention on Human Rights A Commentary*. United States of America, Oxford University press.

16. Henkin, L. (1981). *The International Bill of Rights: the Covenant on Civil and Political*

Rights. New York, Columbia University Press.

17. Melzer, N.(2008). *Targeted Killing in International Law*. New York United States of America, Oxford University Press.
18. Nowak, Manfred (2005). *UN Covenant on Civil and Political Rights. CCPR Commentary*. Germany, Kehl am Rhein: Engel.
19. Shrawat, A. (2017). *Extra-Judicial Killing and the Role of International Criminal Court*. available at: <https://ssrn.com/abstract=2938358> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2938358>.

B) Articles

20. Askary, P. (2020). Taking Territory of a Third State Seriously: Beginning of IAC and the Strike Against Major General Soleimani (Part I). available at: <http://opiniojuris.org/2020/01/24/taking-territory-of-a-third-state-seriously-beginning-of-iac-and-the-strike-against-major-general-soleimani-part-i/>.
21. Callamard, A. (2020). The Targeted Killing of General Soleimani: Its Lawfulness and Why It Matters. *Just Security*, available at: <https://www.justsecurity.org/67949/the-targeted-killing-of-general-soleimani-its-lawfulness-and-why-it-matters/>.
22. Calhoun, L. (2003). The Strange Case of Summary Execution by Predator Drone. *Peace Review*, 15(2), 209–214.
23. Dvir, B. (2020). In the terrorism fight, Trump has continued a key Obama policy. *The Conversation Academic rigour, journalistic flair*, available at: <https://theconversation.com/in-the-terrorism-fight-trump-has-continued-a-key-obama-policy-129216>.
24. Gross, E. (2001). Thwarting Terrorist Acts by Attacking the Perpetrators or Their Commanders as an Act of Self-Defense: Human Rights versus the State's Duty to Protect Its Citizens. *Temple International & Comparative Law Journal*, 15, 195-246.
25. Gurmendi, A. (2020). Raising Questions on Targeted Killings as First Strikes in IACs. available at: <http://opiniojuris.org/2020/01/09/raising-questions-on-targeted-killings-as-first-strikes-in-iacs/>.
26. Gurmendi, A. (2020). The Soleimani Case and the Last Nail in the Lex Specialis Coffin. available at: <http://opiniojuris.org/2020/01/13/the-soleimani-case-and-the-last-nail-in-the-lex-specialis-coffin/#respond>.
27. Janik, R. (2020). Soleimani and Targeted Killings of Enemy Combatants – Part I: Revisiting the “First Shot”-Theory. available at: <http://opiniojuris.org/2020/01/20/soleimani-and-targeted-killings-of-enemy-combatants-part-i-revisiting-the-first-shot-theory/>.
28. J. Aceves, W. (2018). When Death Becomes Murder: A Primer on Extrajudicial Killing. *California Western School of Law*, 117-183.
29. Kretzmer, D. (2005). Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra-Judicial Executions or Legitimate Means of Defence?. *The European Journal of International Law*, 16(2), 171–212.
30. Schueller, A.(2020). Tools to Violate International Law: Armed Drones in Germany and the Government's Legal Position. available at: <http://opiniojuris.org/2020/05/22/tools-to-violate-international-law-armed-drones-in-germany-and-the-governments-legal-position/>.

31. Stoyanova, V. (2018). Causation between State Omission and Harm within the Framework of Positive Obligations Under the ECHR”, *Human Rights Law Review*, 18(2), 309-346.

C) International instruments

32. American Convention on Human Rights, Adopted at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights, San José, Costa Rica, 22 November 1969.
33. Amnesty International, Israel and the Occupied Territories-state Assassination and other Unlawful Killings, 2001.
34. Charter of the International Military Tribunal, Nuremberg, Signed in London on 8 August 1945.
35. Charter of the International Military Tribunal for The Far East, Tokyo, Signed on January 19th, 1946.
36. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Signed on 9 December 1948.
37. Commission on Human Rights, Question of the Violation of Human Rights in the Occupied Arab Territories, including Palestine, Report of the human rights inquiry commission, (E/CN.4/2001/121), 16 Mar. 2001.
38. Human Rights Committee, General comment No. 36 on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life, 30 October 2018.
39. Human Rights Committee, Umetaliev and Tashtanbekova v. Kyrgyzstan, Comm. 1275/2004, 30 October 2008.
40. Human Rights Council, Agnès Callamard, Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Human Rights Council in Forty-fourth session, A/HRC/44/38, 2020.
41. I. C.J. Advisory Opinion, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996.
42. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966 entry into force 23 March 1976.
43. Inter-American Court of Human Rights, Case of the Caracazo v. Venezuela, Judgment of 11 November 1999.
44. Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extra-Legal, Arbitrary and Summary Executions (adopted by the UN Economic and Social Council on 24 May 1989 in resolution 1989/65 and endorsed by the UN General Assembly on 15 December 1989 in resolution 44/162)
45. Report of the Special Rapporteur of the Commission on Human Rights on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied by Israel since 1967, 59th session, (E/CN.4/2003/30) 17 Dec. 2002.
46. Rome Statute of the International Criminal Court (ICC), Signed on 17 July 1998 and entry into force on 1 July 2002.
47. Statute of the International Criminal Tribunal for the (former Yugoslavia), Signed on 25 May 1993.
48. Statute of the International Tribunal for (RWANDA), Adopted by Security Council resolution 955 (1994) of 8 November 1994.
49. Statement of the UN Secretary General, Statement attributable to the Spokesman for the

- Secretary General on the Middle East, New York, 10 June 2003, available at <http://www.un.org/apps/sg/sgstats.asp?nid=387>.
50. The Cairo Declaration on Human Rights in Islam (CDHRI), adopted in Cairo, Egypt, on 5 August 1990.
51. UN. General Assembly (A/68/382), Extrajudicial, summary or arbitrary executions, 13 Sept 2013.
52. UN. (S/2020/13), Letter dated 3 January 2020 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General and the President of the Security Council.
53. Universal Declaration of Human Rights, adopted by the General Assembly of the United Nations on 10 December 1948.
54. UN Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), United Nations Fact Sheet No. 11, October 1997.

D) Internet Sites

55. E. Lee, Carol and Kube, Courtney, Trump authorized Soleimani's killing 7 months ago, with conditions, Available at: <https://www.google.com/amp/s/www.nbcnews.com/news/amp/ncna113271>, Visited at: 10 January 2021.
56. Hassan Alizadeh Schilser, Comprehensive analysis of the assassination of Martyr Qassem Soleimani from the perspective of international law, Available at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1988674/>, Visited at: 3 January 2021.
57. Islamic Republic News Agency, What was the last mission of Sardar Soleimani?, Available at: <https://www.irna.ir/news/83660777/>, Visited at: 4 January 2021.
58. Islamic Republic News Agency, Attack on the Iranian consulate in Najaf, Available at: <https://www.irna.ir/subject/83572406>, Visited at: 1 October 2020.
59. Ministry of Foreign Affairs, State Department Spokesman: In the recent events in Iraq, we are facing a kind of American insolence with insults to the Iraqi people, light projections and repeated calculations, Available at: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/570596>, Visited at: 5 July 2020.
60. The Iran Primer, Trump Threatens Iran on Iraq, Available at: <https://iranprimer.usip.org/index.php/blog/2020/apr/01/trump-threatens-iran-iraq>, Visited at: 2 February 2021.
61. Twitter.com, @realDonaldTrump, Happy New year, 31 December, 2019.
62. US Department of Defense, Statement by the Department of Defense, Available at: <https://www.defense.gov/Newsroom/Releases/Release/Article/2049534/statement-by-the-department-of-defense>, Visited at: 3 February 2021.